

نویسنده: م.ک. بهادر اکمار «M.K.Bhadra Kumar» .

منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2021-09-09» .

برگردان: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

حکومت طالبان

Taliban get a government



جنرال فایز حمید ، ریس سازمان اطلاعات داخلی پاکستان «آی اس آی» کشورها منطقه یا همجوار افغانستان را مجبور به شوکه خواهد کرد از اینکه طالبان را مجبور به اعلام دولت موقت کرد و تضمین میکند که کنترل راولپنڈی را بر اهرم های قدرت در کابل حفظ خواهد کرد.

در اینجا چند نکته در مورد به اصطلاح دولت موقت که طالبان آنرا در (7) سپتامبر اعلام کرد قابل ذکر میدانم. **ملا عبدالغنی «برادر»** شخص معتدل ، ریس بخش سیاسی طالبان و یاکه شخص شماره دو در سلسله مراتب طالبان است که کنون در این حکومت موقت بعنوان معاون اول نخست وزیر انتصاب شده **اقای ملا حسن اخوند** ریس الوزرایا نخست وزیر تعیین و یا برگزیده شده است.

ملا برادر که ریاست هیئت طالبان در مذاکرات دوحه را بعهده داشت و قبلاً بطور احتمالی بعنوان ریس دولت جدید طالبان از او نام برده میشد؛ همچو یک معمار و مهندس برای لانه سازی کبوترها در مقام که پُست مهم عنوان میشود معمولاً بیش از حد یک پُست محدودی است که او در آن قرار میگیرد.

ملا حسن اخوند «Mullah Hasan Akhund» یا نخست وزیر عصای راست خواهد گرفت یا در مقام رهبری دولت قرار میگیرد چونکه او در حال حاضر یکی از معمای ترین ؛ مرموزترین ؛ استثنای ترین ؛ کمیاب ترین شخصیت سایه دار از چهره

های جنبش طالبان شمرده میشود که در دهه «1980» در جهاد علیه شوروی شرکت نکرد اما تنها بعنوان ایدیولوگ و یا نظریه پرداز قدرتمند در دادن مشوره ها در شورا های طالبان ظهور کرد یا که شناخته شد.

به وی یعنی به **ملا اخوند** بطور جداگانه و اختصاصی به نسبت مشوره دادن اش در تخریب و در از بین بردن ویدر انفجار دادن بت های بامیان در سال (2001) اعتبار داده میشود و یا که مورد احترام قرار میگیرد؛ او همچنان نقش محوری در گسترش و یا در توسعه هویت مذهبی طالبان دارد؛ چونکه او در سرشت خود مارک و یا نشانه های ریشه ای ایدیولوژی سخت اسلامگرایانه دارد که به **دیوبند پسم (Deobandism)** معروف است.

ملا حسن اخوند در تحت حمایت ایالات متحده ایدیولوژی شورش و بغاوت را بر ضد حکومت های افغانستان توجیه کرده و یا به دفاع آن پرداخته است؛ او تقریباً در (20) سال گذشته در تبعید از پاکستان فعالیت می کرد.

نسب و یا تباری عیب و نقص پشتون بودن اش از قبیله درانی کندهار گرفته شده است یعنی که او از قبیله پشتون درانی است که از لحاظ تاریخی حاکمان افغانستان را مسخ کرده است. او بعد از سقوط دور اول حاکمیت طالبان « که در آنوقت وزیر خارجه بود » سمت و یا موقف قدرتمندی را بعنوان رئیس شورای رهبران رهبری شورا که غالباً بنام «شورای کویته» یاد میشود رهبری میکرد؛ شورای که «آی اس آی» پاکستان آن را بمنظور به روی کار آمدن دوباره طالبان طرح و پلان گذاری کرده بود؛ این شورا در تحت رهبری ملا اخوند به فعالیت های خود ادامه داد.

به حاشیه راندن «**ملا برادر**» رامیتوان به موجودیت تنش سیاسی بین وی و شبکه **حقانی** دانست چونکه «**آی اس آی**» حرف اخر را در این مورد زده است آن زمانیکه رئیس **جمهور ترامپ** او را به دوحه فراخواند «**آی اس آی**» به او اعتماد نکرد یعنی که **ملا برادر** تا اخیر مورد اعتماد «**آی اس آی**» قرار نگرفت.

شگفت انگیزترین چیز در مورد «**ملا حسن اخوند**» این است که باورها و یا اعتقادات ریشه دار او شامل رفتار با زنان بعنوان احتشام و کنیز برای بچه دار شدن یا زاین و بر خورد با اقلیت های قومی و مذهبی بعنوان شکل پایین تری از زندگی است یعنی که زن و اقلیت ها را بجشم کم و تحقیر آمیز مینگرد چونکه این خصلت در سرشت او حک شده است. او در زمینه حقوق شهروندی بیشتر سخت گرا است احکام او در دهه (1990) که توسط طالبان تصویب شد شامل ممنوعیت آموزش زنان؛ اعمال تفکیک جنسی و استفاده از بکار بردن لباس مذهبی شدید بود.

در گذشته، **برادر** صرفاً به عنوان نمای عقل در جامعه بین المللی در دوحه عمل کرد. با **آخوند** در یک طرف و **سراج الدین حقانی**، وزیر داخله در طرف دیگر، خود را بین صخره و مکان سختی می بیند.

سراج الدین بدون شک پسر چشم آبی (آی اس آی) است. انتصاب وی خبر دهشتناکی برای **دهلی نو** است. اما سوال بزرگ آینده مربوط به معادله ایالات متحده با شبکه **حقانی**

است. این اسطوره شناسی از آگاهی FBI مبنی بر "پاداش حداکثر 10 میلیون دلار برای اطلاعاتی که مستقیماً منجر به دستگیری سراج الدین حقانی می شود" استفاده می کند و "اگر در مورد این شخص اطلاعاتی دارید، لطفاً با دفتر FBI محلی خود یا اداره در به نزد یکتربین سفارت یا کنسولگری آمریکا تماس بگیرید».

FBI سراج الدین را "یک تروریست جهانی ویژه تعیین شده" با روابط نزدیک با القاعده می نامد اما آنها مات علیه وی بی دلیل است و همچنان مبهم بیان شده است. از این رو سراج الدین «در ارتباط با حمله ژانویه 2008 به هتلی در کابل، افغانستان که منجر به کشته شدن (6) نفر از جمله یک شهروند آمریکایی شد، تحت بازجویی است. اعتقاد بر این است که او در این حمله هماهنگ بوده و در حملات برون مرزی علیه ایالات متحده و نیروهای ائتلاف در افغانستان مشارکت داشته است. همچنین گفته می شود که حقانی در برنامه ریزی برای ترور حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان در سال «2008» مشارکت داشته است».

در همان زمان، اطلاعاتی مضحک اف بی آی (FBI) همچنین می گوید، "تصور می شود که حقانی در پاکستان، به ویژه در میرام شاه، منطقه وزیرستان شمالی، پاکستان، بماند "بیشتر بخوانید".

اگر ایالات متحده می توانست (اسامه بن لادن) را از یک شهر مخروبه پاکستانی بازداشت کند، پس چرا باید این وظیفه را مانند غرب غیر اهلی بر عهده می گرفت - و اعلان نامه های را به هر بار و میکند و فاحشه خانه ها ارسال می کرد؟

نکته این است که مطالب بایگانی شده وزارت خارجه نیز نشان می دهد که ایالات متحده و حقانی ها راه طولانی را پشت سر گذاشته اند. گروه مجاهدین جلال الدین حقانی در واقع تنها گروهی در دهه (1980) بود که ژنرال ضیاءالحق معتقد بود اجازة دارد مستقیماً با سیا ارتباط داشته باشد. البته سیا از او به عنوان دارایی "یک طرفه" یاد کرد که به نوبه خود ده ها میلیون دلار پول نقد به طور مستقیم دریافت کرد.

در واقع وقتی که زمان انتقال «اسامه بن لادن» از سودان به افغانستان به سازمان سیا «سی آی ای» محول شد؛ جا بجا کردن این فراری «اسامه بن لادن» بمنظور حفظ امنیت او هیچ جای مناسب به جز از محل مصون که در تصرف شبکه حقانی بود سراغ نمیگردید که باید «اسامه» در آنجا جابجا میشد پیوند چنین بود.

اما بهر صورت جلال الدین «حقانی» از خیانت کردن اش به «اسامه بن لادن» انکار کرد و احتمالاً به او کمک کرد که در ماه دسامبر سال (2001) از مغاره های کوههای توره بوره از تعقیب شبکه ایالات متحده ظاهراً به دوطرف در حرکت بیفتد و فرار کرد.

در واقع، ژنرال جان نیکلسون، که در جلسه سنا کمیته خدمات نظامی به حیث فرمانده نیروهای آمریکایی و ناتو در افغانستان در ماه جنوری سال «2016» انتخاب شد به

کمیته نیروهای مسلح سنا گفت: که عملیات ضد تروریستی ایالات متحده در افغانستان شبکه شبه نظامیان حقانی را هدف قرار نمی دهد. به نقل از جنرال، " آنها در حال حاضر بخشی از این تعیین نیستند.... **حقانی** ها عمدتاً در فوکس نیروهای امنیتی افغانستان قرار دارند یا هستند."

نیکلسون توضیح سختی داد که اقدامات ضد تروریستی ایالات متحده بر القاعده و دولت اسلامی متمرکز بود. ایالات متحده انتظار داشت که پاکستان برای جلوگیری از حملات برون مرزی فشار کافی به **حقانی** ها وارد کند! **بیشتر بخوانید**

این ژنرال چهار ستاره ای «8 سال پس از حمله شبکه **حقانی** به سفارت هند در کابل به این سفسطه پرداخت. این شرم آور و منجر کننده است، چیزی کمتر از این، این که سیاست های هند در افغانستان در تمام طول مدت به استراتژی های ایالات متحده در افغانستان کمک کرده است - تا به امروز به حدی که بنظر می رسد نخست وزیر مودی منتظر گفتگو با رئیس جمهور **پایدن** در حاشیه اجلاس چهارگانه در **واشنگتن دی سی** چگونه می توان هماهنگی را در شرایط فعلی تقویت کرد.

بهر حال، **مولوی امیرخان متقی**، وزیر خارجه تعیین شده در دولت موقت کیست؟
سفیر **پیتر تامسن**، فرستاده ویژه ایالات متحده در امور افغانستان از (1989 تا 1992) در اثر کلاسیک خود تحت عنوان **جنگ های افغانستان: تروریسم مسیحی، درگیری های قبیله ای و شکست های قدرت بزرگ** نوشته است: که **پرویز مشرف**، رئیس جمهور وقت پاکستان، شخصاً با **جورج بوش**، رئیس جمهور ایالات متحده تماس تلفونی گرفت. یا که در نوامبر «2001» برای انتقال هواپیمای VIP از قندوز که توسط شبه نظامیان اتحاد شمالی تحت رهبری رشید دوستم (با حمایت نیروهای ویژه ایالات متحده) در جریان حملات (11) سپتامبر محاصره شده بود.

بوش و دیک چنی، معاون رئیس جمهور صراحتاً درخواست شخصی **مشرف** را تأیید کردند. **سیمور هرش**، روزنامه نگار تحقیقی مشهور، بعداً بر اساس اطلاع رسانی از منابع سابق **سیا** «سی آی ای» نوشت که فرماندهی مرکزی ایالات متحده برای اطمینان از ایمنی پروازهای ارتش پاکستان، یک کریدور هوایی ویژه در خارج از قندوز ایجاد کرده است.

انتقال و یا حمل و نقل نزدیک به هزار نفر بشمول اعضای القاعده از خط حمل و نقل میدان هوایی ولایت قندوز افغانستان (معروف به حمل و نقل هوایی شرارت یا شیطنی) به پایگاه های دور افتاده در **چترال** و **گیلجیت** واقع در کشمیر اشغالی پاکستان تخلیه شدند و یکی از این هواپیماهای وی آی پی (VIP) پاکستان **مولوی امیرخان متقی** را جدا از مقامات ارشد نظامی پاکستان که در تحت نظر قوت های **عبدالرشید دوستم** محاصره شده بود در مارکیت انگور واقع در پاکستان تخلیه و یا پیاده کرد؛ چونکه «آی اس آی» پاکستان آینده و یا سرنوشت بزرگتر و بهتری را برای **مولوی متقی** می دید.

لذا آیا پاکستان میتواند با وجود این همه شواهد و واقعیت ها از موضوع طفره رود و یا از ان انکار کند؟ بهر صورت این دولت موقت به آسانی ممکن نخواهد پرید یا که

پرواز نخواهد کرد و نیز پژمرده نخواهد شد اگر چه میتوان آنرا مجدداً تغییر داد و یا بازسازی کرد- در پایتخت های کشورهای منطقه اعم از تهران ؛ مسکو « وحتی احتمالاً پکن » چنین واکنش نشان دادند و آن اینکه به روایت مقامات پاکستانی « دولت فراگیر » برای کنترل و بازرسی تشکیل شده است .

رویه گرفته پاکستان جرات کرد که نامه رازپاکت با ارزیابی سرد جلوبکشد یا بیرون آورد مبنی بر اینکه ایالات متحده و متحدان غربی اش با طالبان پس از تاه نشین شدن گردوخاک وارد تعامل خواهد شد ؛ سفر وزیر امور خارجه بریتانیا آقای (دومین راب = Dominn Rabb) در تاریخ سوم ماه دسامبر به اسلام آباد راه حل مناسبی بود بیشتر بخوانید.

در « 5 سپتامبر، جنرال حمید ریس «آی اس آی» عازم کابل شد . در « 7 سپتامبر ما قبلاً شاهد واکنش طالبان به سوت یا آواز سگش بودیم * .

..... **با تقدیم سلامها «2021-09-11»**